

تحلیل و سنجش عوامل تقویت کننده وفاق ملی در دانش آموزان دوره ابتدایی

لیلا ممی زاده دولت آبادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

چکیده

وفاق ملی از جمله مفاهیم اساسی در انسجام اجتماعی است که از دوران کودکی در نهادهای آموزشی شکل می گیرد. همچنین، مدارس ابتدایی به عنوان نخستین نهادهای اجتماعی، بستری مهم برای آموزش ارزش های ملی و تقویت انسجام اجتماعی به شمار می آیند. این پژوهش با رویکردی کیفی - کمی، به تحلیل و سنجش عوامل تقویت کننده وفاق ملی در دانش آموزان دوره ابتدایی پرداخته است. جامعه آماری بخش کیفی معلمان سرآمد، سرگروه های درسی و در بخش کمی کلیه همکاران شاغل در دوره ابتدایی ناحیه ۱ اردبیل به تعداد ۱۰۷۰ نفر بودند. در بخش کیفی از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شده و عمل نمونه گیری تا دستیابی به اشباع نظری ادامه داشت؛ که در پژوهش حاضر پس از انجام ۱۲ مصاحبه اشباع نظری داد. همچنین در بخش کمی با توجه به گستردگی جامعه آماری، از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد. بدین صورت که ابتدا از بین نواحی ناحیه ۱، سپس مدارس و در نهایت همکاران شاغل در آن مدارس منتخب به عنوان نمونه آماری ما انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده های کیفی از روش تحلیل مضمون (تم) و در بخش کمی از روش تحلیل عاملی تاییدی (مرتب دو) استفاده شد. یافته ها نشان می دهد که عوامل متعددی از جمله محتوای آموزشی، شیوه های تدریس معلمان، تعاملات بین دانش آموزی و برنامه های فرهنگی مدارس در تقویت احساس همبستگی ملی نقش دارند؛ و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که مقادیر ضرایب مسیر بزرگ تر از ۰/۶ و بارهای عاملی برای تمامی روابط بزرگ تر از ۰/۴ می باشد. همچنین مقدار معناداری برای تمامی روابط بزرگ تر از ۱/۹۶ می باشد؛ که نشان از تایید روابط می باشد. از طرفی مقادیر به دست آمده نشان از روایی همگرایی و پایایی مناسب می باشد. بر اساس این نتایج، پیشنهاد می شود که سیاست گذاران آموزشی با اصلاح برنامه های درسی، تقویت مهارت های بین فردی معلمان و طراحی فعالیت های آموزشی تعاملی، زمینه را برای پرورش دانش آموزانی با هویت ملی قوی تر فراهم کنند.

واژگان کلیدی

وفاق ملی، مدرسه، دانش آموزان ابتدایی، انسجام اجتماعی، تربیت شهروندی

۱. آموزگار، مدیریت آموزش و پرورش استان اردبیل، شهرستان نمین.

مقدمه

وفاق ملی یکی از ارکان اساسی توسعه پایدار و پیشرفت اجتماعی، به معنای انسجام، اتحاد و همدلی میان اعضای جامعه تعریف می‌شود. در جوامعی که وفاق ملی قوی است، شهروندان احساس تعلق به یک هویت مشترک دارند، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی خود را حفظ می‌کنند و در مسیر دستیابی به اهداف ملی مشارکت فعال دارند (حسینی و رضایی، ۱۴۰۲). برعکس، فقدان وفاق ملی می‌تواند منجر به اختلافات قومی، اجتماعی و فرهنگی شده و در نهایت مانعی در برابر توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورها باشد. از این رو، شکل‌گیری وفاق ملی به عنوان یک فرآیند اجتماعی باید از سنین کودکی و به ویژه در دوره ابتدایی آغاز شود، چرا که شخصیت، نگرش‌ها و باورهای فرد در این دوره شکل می‌گیرد و هرگونه آموزش و پرورش صحیح می‌تواند اثرات بلندمدتی بر رفتار اجتماعی، تعلق ملی و مشارکت در جامعه داشته باشد. نظام‌های آموزشی به ویژه در کشورهای در حال توسعه، مسئولیت بزرگی در پرورش شهروندانی دارند که دارای هویت ملی قوی، حس تعلق اجتماعی و تعهد نسبت به ارزش‌های جمعی هستند (موسوی، رضایی، ۱۴۰۲). در این راستا، مدارس ابتدایی نقش بی‌بدیلی در ایجاد وفاق ملی ایفا می‌کنند. کودکان در این دوران در معرض اولین تعاملات اجتماعی گسترده خود قرار می‌گیرند و نگرش‌های آن‌ها نسبت به جامعه، کشور و هویت ملی در همین دوره شکل می‌گیرد. چنانکه پژوهش‌ها نشان داده‌اند، تجربه‌های اجتماعی کودکان در دوران ابتدایی می‌تواند اثرات پایداری بر رفتارهای مشارکتی، همکاری اجتماعی و درک متقابل آن‌ها در دوران بزرگسالی داشته باشد (عنایتی و همکاران، ۱۴۰۲). یکی از دلایل اصلی ضرورت بررسی وفاق ملی در مدارس ابتدایی، تغییرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جوامع مدرن است. جهانی شدن و توسعه فناوری‌های ارتباطی، زمینه را برای تعاملات میان فرهنگی گسترده‌تر فراهم کرده است، اما در عین حال چالش‌هایی مانند تضعیف هویت ملی، افزایش گرایش‌های فردگرایانه و کاهش همبستگی اجتماعی را نیز به دنبال داشته است. در این شرایط، نظام‌های آموزشی باید راهکارهایی برای تقویت هویت ملی و انسجام اجتماعی ارائه دهند. از طرف دیگر، افزایش تنوع قومی و زبانی در جوامع، لزوم توجه به وفاق ملی را دو چندان کرده است. اگرچه تنوع فرهنگی یک فرصت برای تبادل ایده‌ها و ارتقای تعاملات اجتماعی محسوب می‌شود، اما در صورت عدم مدیریت صحیح، می‌تواند زمینه‌ساز شکاف‌های اجتماعی و تنش‌های قومی گردد (ترکمان، ۱۴۰۳).

تحقیقات نشان داده‌اند که عوامل مختلفی بر رشد و توسعه وفاق ملی در دانش‌آموزان تأثیر گذارند. یکی از مهم‌ترین این عوامل، محیط آموزشی و شیوه‌های تدریس است. در این میان، روش‌های تدریسی که بر همکاری، تعامل اجتماعی و یادگیری گروهی تأکید دارند، می‌توانند تأثیرات عمیقی بر تقویت حس همبستگی اجتماعی و وفاق ملی داشته باشند. رضائی امین و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی بر این باورند که روش یادگیری مشارکتی، به دلیل تأکید بر همکاری بین دانش‌آموزان، موجب تقویت مهارت‌های ارتباطی، همدلی و درک متقابل می‌شود که این عوامل به نوبه خود در تقویت وفاق ملی مؤثر هستند. مدرسه همچنین بستری برای آموزش ارزش‌های مشترک و تقویت حس احترام به تفاوت‌های فرهنگی است. اگر مدارس به گونه‌ای برنامه‌ریزی شوند که دانش‌آموزان را به شناخت و درک فرهنگ‌های مختلف در داخل کشور ترغیب کنند، می‌توانند نقشی اساسی در کاهش تعارضات قومی و افزایش حس تعلق ملی ایفا کنند. در این راستا، نقش معلمان به عنوان تسهیل‌کنندگان فرآیند اجتماعی شدن بسیار مهم است. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که معلمانی که از شیوه‌های تدریس تعاملی و مشارکتی استفاده می‌کنند و در کلاس‌های درس خود فضایی مبتنی بر همدلی، عدالت و احترام متقابل ایجاد می‌کنند، تأثیر به سزایی در رشد مهارت‌های اجتماعی و تقویت وفاق ملی در

دانش‌آموزان دارند (محمدخانلو و همکاران، ۱۴۰۲). علاوه بر محیط آموزشی، محتوای درسی نیز نقش کلیدی در شکل‌گیری وفاق ملی دارد. محتوای کتاب‌های درسی، داستان‌ها، سرودهای ملی و حتی تصاویر و مثال‌هایی که در کتاب‌های آموزشی استفاده می‌شوند، می‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر نگرش‌های دانش‌آموزان نسبت به هویت ملی و اجتماعی تأثیر بگذارند. بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند که در نظام‌های آموزشی که محتوای درسی آن‌ها بر ارزش‌های ملی، فرهنگ مشترک و تاریخ کشور تأکید دارد، میزان احساس تعلق ملی در میان دانش‌آموزان بیشتر است (عنایتی و همکاران، ۱۴۰۲). باوجود تأکید بر اهمیت وفاق ملی در نظام آموزشی، چالش‌هایی نیز در مسیر تحقق این هدف وجود دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، ناهماهنگی میان ارزش‌های آموزش داده شده در مدارس و تأثیرات رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بر دانش‌آموزان است. در دنیای امروز، کودکان و نوجوانان بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر رسانه‌های دیجیتال قرار دارند که ممکن است ارزش‌هایی مغایر با وفاق ملی را ترویج دهند (حکیم‌زاده، ۱۴۰۳). همچنین، در برخی از مدارس، به دلیل تمرکز بیش از حد بر مسائل آموزشی و کنکورمحور بودن نظام آموزشی، به موضوعات اجتماعی و فرهنگی مانند وفاق ملی توجه کمتری می‌شود. در این راستا، لازم است که سیاست‌گذاران آموزشی راهکارهایی برای تلفیق آموزش مهارت‌های اجتماعی و تقویت وفاق ملی در برنامه‌های درسی مدارس ارائه دهند (ترکمان، ۱۴۰۳). با توجه به اهمیت موضوع وفاق ملی و تأثیر آن بر توسعه اجتماعی، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اعتباریابی عوامل مؤثر بر رشد و توسعه وفاق ملی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام می‌شود. این پژوهش بر آن است تا از طریق بررسی دیدگاه‌های معلمان، دانش‌آموزان و والدین، به تحلیل دقیق‌تر عواملی که موجب تقویت یا تضعیف وفاق ملی در مدارس ابتدایی می‌شوند، بپردازد. نتایج این مطالعه می‌تواند به سیاست‌گذاران آموزشی و معلمان در طراحی برنامه‌های درسی و روش‌های آموزشی کارآمدتر برای تقویت وفاق ملی در نسل آینده کمک کند.

اهداف پژوهش

هدف کلی

تحلیل و سنجش عوامل تقویت کننده وفاق ملی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی

اهداف جزئی

شناسایی عوامل تأثیرگذار بر وفاق ملی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی

سنجش عوامل تقویت کننده وفاق ملی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی

سوال پژوهش:

عوامل مؤثر بر رشد و توسعه وفاق ملی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی کدام‌اند؟

اهمیت و ضرورت

وفاق ملی یکی از اساسی‌ترین مولفه‌های ثبات، امنیت و توسعه پایدار در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. این مفهوم بیانگر همگرایی، انسجام و هماهنگی میان اقشار مختلف یک کشور است که بر پایه‌های مشترک فرهنگی، تاریخی، زبانی و ارزشی استوار است. در جوامعی که وفاق ملی در سطح مطلوبی قرار دارد، افراد با احساس تعلق عمیق به کشور خود، در مسیر توسعه و پیشرفت ملی گام برمی‌دارند. در مقابل، در جوامعی که این مولفه دچار ضعف باشد، شاهد افزایش نارضایتی‌های اجتماعی، گسترش شکاف‌های هویتی و کاهش حس همبستگی میان اقشار مختلف خواهیم بود. در چنین شرایطی، آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی، نقش مهمی در تقویت و نهادینه‌سازی وفاق

ملی از سنین کودکی ایفا می‌کند (خداوردی، ۱۳۹۵). نظام آموزشی هر کشور نه تنها مسئولیت آموزش علوم و مهارت‌های فردی و اجتماعی را بر عهده دارد، بلکه رسالت مهم‌تری در انتقال ارزش‌ها، هنجارها و باورهای بنیادین جامعه به نسل آینده دارد. در این میان، دوره ابتدایی به دلیل اهمیت آن در شکل‌گیری شخصیت، نگرش و باورهای دانش‌آموزان، یکی از حساس‌ترین دوره‌های آموزشی در فرآیند نهادینه‌سازی وفاق ملی است. در این مقطع، کودکان علاوه بر یادگیری مهارت‌های پایه‌ای، با هویت ملی، ارزش‌های اجتماعی، اصول زندگی جمعی و روحیه همدلی و همکاری آشنا می‌شوند. به همین دلیل، لازم است که برنامه‌های آموزشی، شیوه‌های تدریس، محتوای درسی و محیط مدارس به گونه‌ای طراحی شوند که روحیه همبستگی و تعلق ملی را در کودکان تقویت کنند (عنایتی و همکاران، ۱۴۰۲).

در سال‌های اخیر، تحولات جهانی، گسترش فناوری‌های ارتباطی، ظهور شبکه‌های اجتماعی و تغییر در الگوهای تربیتی و اجتماعی، چالش‌های متعددی را برای شکل‌گیری وفاق ملی در میان نسل جدید ایجاد کرده است. امروزه کودکان و نوجوانان بیش از هر زمان دیگری در معرض اطلاعات، دیدگاه‌ها و ارزش‌های متنوع و گاه متناقضی قرار دارند که از طریق رسانه‌های دیجیتال به آنان منتقل می‌شود. این امر باعث شده است که بسیاری از دانش‌آموزان، به جای آشنایی عمیق با هویت ملی خود، با هویت‌های فراملی یا حتی ارزش‌های بیگانه در ارتباط باشند. چنین شرایطی، اگر نظام آموزشی نتواند به طور مؤثر در تقویت وفاق ملی و هویت ملی دانش‌آموزان نقش آفرینی کند، ممکن است در آینده شاهد کاهش انسجام اجتماعی، افزایش تعارضات هویتی و کاهش تعلق خاطر نسل‌های جدید به ارزش‌ها و اهداف ملی باشیم (احمدی و محمدی، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، عدم همخوانی محتوای آموزشی مدارس با نیازهای واقعی دانش‌آموزان برای درک وفاق ملی است. بسیاری از کتاب‌های درسی، به ویژه در مقطع ابتدایی، فاقد برنامه‌های آموزشی منسجمی هستند که بتوانند به صورت عمیق، اصول وفاق ملی را در ذهن دانش‌آموزان نهادینه کنند. علاوه بر این، روش‌های تدریس سنتی که بر پایه انتقال یک‌سویه اطلاعات و عدم مشارکت فعال دانش‌آموزان استوار است، نمی‌تواند تأثیرگذاری مطلوبی بر تقویت روحیه همکاری، تعامل اجتماعی و درک متقابل میان دانش‌آموزان داشته باشد. این در حالی است که روش‌های نوین آموزشی، همچون یادگیری مشارکتی، آموزش‌های تلفیقی، بازی‌های گروهی و فعالیت‌های فوق برنامه، تأثیرات مثبت و پایدارتری در ایجاد و تقویت وفاق ملی دارند. همچنین، نقش معلمان در شکل‌دهی به نگرش‌های دانش‌آموزان درباره وفاق ملی غیرقابل انکار است. معلمانی که از روش‌های تعاملی، مشارکتی و عدالت محور در تدریس خود استفاده می‌کنند، می‌توانند روحیه مسئولیت‌پذیری، درک متقابل، احترام به تنوع فرهنگی و همکاری اجتماعی را در دانش‌آموزان تقویت کنند. در مقابل، معلمانی که از شیوه‌های خشک و غیرمنعطف آموزشی استفاده می‌کنند، ممکن است موجب ایجاد حس رقابت ناسالم، بی‌اعتمادی و کاهش تعاملات مثبت میان دانش‌آموزان شوند؛ بنابراین، آموزش و توانمندسازی معلمان در راستای بهره‌گیری از روش‌های تدریسی که وفاق ملی را تقویت می‌کنند، امری ضروری به شمار می‌رود. از دیگر عوامل مهمی که در فرآیند شکل‌گیری وفاق ملی در مدارس ابتدایی تأثیرگذار است، برنامه‌های فوق برنامه و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مدارس است. برگزاری اردوهای آموزشی و فرهنگی، بازدید از اماکن تاریخی، اجرای جشن‌های ملی و برگزاری مسابقات گروهی می‌تواند حس همبستگی و هویت مشترک را در میان دانش‌آموزان تقویت کند. علاوه بر این، تشویق دانش‌آموزان به فعالیت‌های جمعی همچون پروژه‌های گروهی، فعالیت‌های خیریه، همکاری در پروژه‌های مدرسه و

شرکت در جلسات گفت‌وگو و تبادل نظر، می‌تواند تأثیر مثبتی در تقویت وفاق ملی و احساس مسئولیت اجتماعی آنان داشته باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف تحلیل و سنجش عوامل تقویت کننده وفاق ملی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام شده است. این پژوهش از منظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت محتوایی کیفی - کمی می‌باشد. جامعه آماری بخش کیفی معلمان سرآمد و سرگروه‌های درسی به تعداد ۲۴ نفر بودند. انتخاب این افراد به دلیل تخصص و تجربه‌های آموزشی آنها در زمینه‌های مختلف تربیتی و درک عمیق از مسائل آموزش و پرورش بود؛ و در بخش کمی کلیه همکاران شاغل در دوره ابتدایی ناحیه ۱ اردبیل به تعداد ۱۰۷۰ نفر بودند. در بخش کیفی، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. در این روش، افراد با توجه به تجربیات و تخصص‌های خاص‌شان در حوزه‌های مرتبط با وفاق ملی و آموزش و پرورش انتخاب می‌شوند. این روش به منظور جمع‌آوری اطلاعات عمیق و جامع از افرادی با دانش و تجربه قابل اعتماد انجام می‌شود؛ و نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت. در این پژوهش با انجام ۱۲ مصاحبه اشباع نظری صورت گرفت. همچنین در بخش کمی با توجه به نامتجانس بودن جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شد. در این روش، جامعه آماری به دو طبقه (براساس ویژگی جنسیت) تقسیم شده و سپس از هر طبقه به طور تصادفی نمونه‌هایی انتخاب گردید. این روش کمک می‌کند که نمونه مورد نظر نمایانگر ویژگی‌های مختلف جامعه آماری باشد. نمونه آماری در فاز کمی ۳۲۰ نفر (۷۰ نفر مرد، ۱۵۰ نفر زن) بودند. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل مضمون (تم) و در بخش کمی از روش تحلیل عامل تاییدی مرتبه دوم^۱ با بکاربست نرم‌افزارهای Spss و Smart PLS استفاده شد. این روش به ویژه برای بررسی صحت و اعتبار مقیاس‌های اندازه‌گیری و رابطه میان سازه‌ها مفید است. همچنین به منظور بررسی پایایی در بخش کیفی، از ضریب کاپای کوهن برای بررسی توافق میان مصاحبه‌ها و کدگذاری داده‌ها استفاده گردید. این در حالی است که در بخش کمی از ضریب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، میانگین واریانس استخراج شده، برای سنجش پایایی و روایی پرسشنامه و اعتبار نتایج استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

بخش کیفی: در این بخش نتایج به دست آمده از فرآیند مصاحبه در قالب مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر طبقه‌بندی شده و کدهای باز مربوط به هر کدام مشخص گردید؛ که طی آن، ۴ مضمون فراگیر، ۱۲ مضمون سازمان دهنده و ۵۴ مضامین پایه به دست آمد.

جدول ۱: کدهای پایه، مضامین سازمان دهنده و فراگیر

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
گنجاندن مفاهیم مرتبط با وفاق ملی در کتب درسی	برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی	عوامل علی
تأکید بر تاریخ و فرهنگ مشترک ملی		
معرفی الگوهای ملی و میهنی		
ترویج ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی مشترک		

¹ Second-Order Confirmatory Factor Analysis

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
مضامین فراگیر	روش های تدریس	استفاده از داستان ها و مثال های بومی در تدریس
		استفاده از روش های مشارکتی و گروهی
		تشویق به بحث و تبادل نظر در کلاس
		به کارگیری روش های خلاقانه و نوآورانه
		تأکید بر یادگیری تجربی و عملی
		ایجاد فضای باز برای بیان نظرات دانش آموزان
	نقش معلمان	الگوسازی رفتارهای همدلانه و مشارکتی
		تشویق به احترام به تفاوت ها و تنوع فرهنگی
		ایجاد محیطی حمایت گر و امن برای یادگیری
		توجه به نیازها و علاقه مندی های دانش آموزان
		ترویج روحیه همکاری و کار گروهی
عوامل زمینه ای	فرهنگ مدرسه	ترویج ارزش های مشترک و هنجارهای مثبت
		ایجاد فضای احترام و اعتماد متقابل
		تشویق به فعالیت های جمعی و گروهی
		برگزاری مراسم و مناسبت های ملی و فرهنگی
		تأکید بر اهمیت وفاق و همبستگی در محیط مدرسه
	تعامل با والدین و جامعه	برگزاری جلسات مشترک با والدین
		تشویق والدین به مشارکت در فعالیت های مدرسه
		استفاده از منابع محلی و جامعه در آموزش
		ایجاد برنامه های پیوند مدرسه و جامعه
		ترویج ارزش های مشترک بین مدرسه و خانواده
	امکانات و منابع آموزشی	دسترسی به منابع آموزشی متنوع و مناسب
		استفاده از فناوری های نوین در آموزش
		تجهیز کلاس ها به وسایل کمک آموزشی
		ایجاد فضاهای مناسب برای فعالیت های گروهی
		تأمین منابع مالی کافی برای برنامه های آموزشی
		تدوین سیاست های حمایتی برای ترویج وفاق ملی
عوامل مداخله ای	سیاست ها و برنامه های آموزشی	تأکید بر آموزش های شهروندی و مدنی
		ارزیابی و نظارت بر اجرای برنامه های مرتبط
		تشویق به پژوهش و نوآوری در زمینه وفاق ملی

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
	تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی	تدوین برنامه‌های درسی با محوریت وفاق ملی
		استفاده از رسانه‌ها برای ترویج ارزش‌های ملی
		آموزش سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان
		کنترل و مدیریت محتوای نامناسب در فضای مجازی
		تشویق به تولید محتوای مثبت و آموزشی
		ترویج استفاده مسئولانه از فناوری‌ها
	تفاوت‌های فردی و فرهنگی	شناسایی و احترام به تفاوت‌های فرهنگی دانش‌آموزان
		توجه به نیازهای ویژه و توانمندی‌های مختلف
		ایجاد برنامه‌های آموزشی متناسب با تنوع فرهنگی
		تشویق به یادگیری از فرهنگ‌ها و تجربیات مختلف
		ترویج روحیه پذیرش و احترام به دیگران
پیامدها	پیامدهای فردی	تقویت هویت ملی و تعلق اجتماعی
		رشد مهارت‌های ارتباطی و تعامل مثبت
		افزایش اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری
	پیامدهای اجتماعی	تقویت همبستگی و انسجام اجتماعی
		افزایش مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و مدنی
		ارتقای احترام و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی
	پیامدهای آموزشی و تربیتی	بهبود فضای مدرسه و تعاملات دانش‌آموزی
		توسعه سبک‌های یادگیری تعاملی و انتقادی
		افزایش تأثیرگذاری برنامه‌های درسی بر تربیت اجتماعی

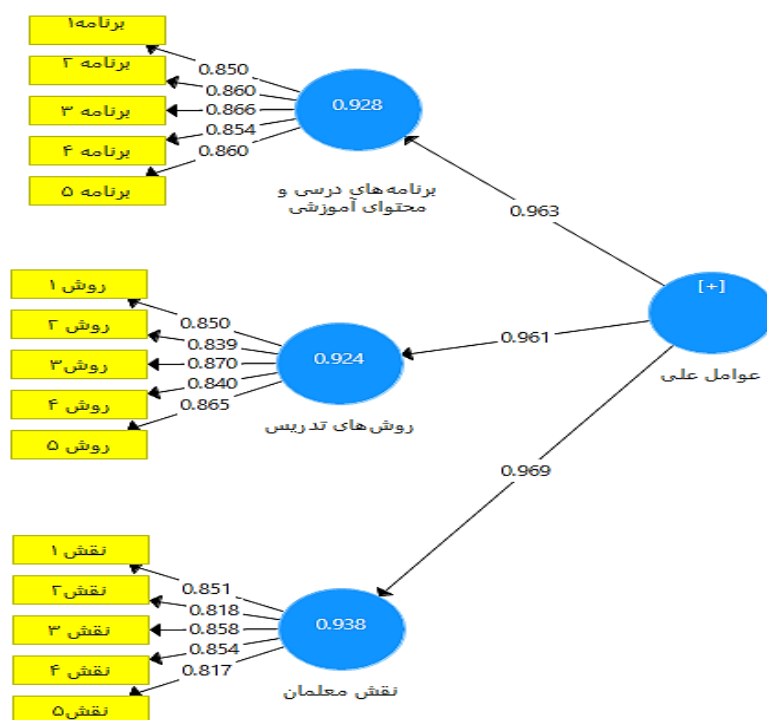
یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تقویت وفاق ملی در دانش‌آموزان ابتدایی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای قرار دارد؛ و رشد و توسعه آن دارای پیامدهای فردی، اجتماعی، آموزشی و تربیتی است. عوامل علی به عواملی اشاره دارند که مستقیماً در شکل‌گیری وفاق ملی نقش ایفا می‌کنند. در این میان، محتوای آموزشی و برنامه درسی اهمیت ویژه‌ای دارند؛ زیرا دانش‌آموزان از طریق آموزش تاریخ، فرهنگ و مهارت‌های اجتماعی می‌توانند شناخت بهتری از هویت ملی خود پیدا کنند. همچنین، نقش معلمان در ارائه الگوی عملی برای همکاری و همدلی بسیار حائز اهمیت است. فعالیت‌های فوق برنامه مانند جشن‌های ملی و بازدیدهای فرهنگی نیز می‌توانند به تقویت هویت ملی و انسجام اجتماعی در دانش‌آموزان کمک کنند. عوامل زمینه‌ای به عواملی اشاره دارند که بستر مناسبی برای شکل‌گیری و نهادینه شدن وفاق ملی در دانش‌آموزان فراهم می‌کنند. خانواده نقش مهمی در انتقال ارزش‌های ملی دارد و می‌تواند از طریق گفت‌وگوهای خانوادگی و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی مدرسه به تقویت این فرآیند کمک کند. سیاست‌های نظام آموزشی نیز باید در راستای تقویت وفاق ملی تنظیم شوند، به‌ویژه از طریق برنامه‌های درسی، شیوه‌های

مدیریتی و ایجاد محیط‌های آموزشی مناسب. در کنار این موارد، رسانه‌ها و فضای مجازی نیز تأثیر زیادی بر شکل‌گیری نگرش‌های دانش‌آموزان دارند و می‌توانند با تولید محتوای مناسب، احساس تعلق به هویت ملی را در آن‌ها تقویت کنند. عوامل مداخله‌ای عواملی هستند که می‌توانند به عنوان موانع یا تسریع‌کننده‌های فرآیند رشد وفاق ملی عمل کنند. یکی از چالش‌های مهم، تفاوت‌های قومی، زبانی و مذهبی است که اگر به درستی مدیریت نشوند، ممکن است موجب شکاف‌های اجتماعی شوند. در این زمینه، نظام آموزشی باید نقش خود را در ایجاد وحدت میان اقوام و جلوگیری از تبعیض‌های آموزشی ایفا کند. علاوه بر این، شرایط اقتصادی و اجتماعی نیز می‌توانند تأثیرات عمده‌ای بر وفاق ملی داشته باشند؛ به ویژه اگر نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی منجر به کاهش تعلق ملی در برخی از گروه‌های جامعه شود. در نهایت، یکی از چالش‌های جدی در دنیای امروز، تأثیر جهانی شدن و نفوذ فرهنگ‌های بیگانه بر هویت ملی دانش‌آموزان است. با گسترش رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، بسیاری از کودکان و نوجوانان در معرض ارزش‌های فراملی قرار دارند که ممکن است هویت ملی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، ضروری است که آموزش و پرورش، تفکر انتقادی را در دانش‌آموزان تقویت کرده و آن‌ها را نسبت به ارزش‌های فرهنگی کشور آگاه کند. همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که رشد و توسعه وفاق ملی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی پیامدهای متعددی دارد. در بُعد فردی، افزایش احساس هویت ملی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تقویت مهارت‌های تعامل و همدلی از نتایج مهم این فرآیند است. در بُعد اجتماعی، انسجام و همبستگی میان گروه‌های مختلف دانش‌آموزان، کاهش تعارضات هویتی و تقویت فرهنگ مشارکت و همکاری مشاهده می‌شود. به علاوه، در بُعد آموزشی، بهبود فضای یادگیری، افزایش انگیزه تحصیلی و نهادینه شدن ارزش‌های ملی از جمله پیامدهای کلیدی است که در نهایت موجب تقویت سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار کشور می‌شود.

جدول ۲: ضریب آلفای کرونباخ برای مقوله‌های وفاق ملی

ردیف	مؤلفه اصلی	مؤلفه فرعی (گویه‌ها)	ضریب آلفای کرونباخ
۱	برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی	۵	۰/۹۲
۲	روش‌های تدریس	۵۰	۰/۹۰
۳	نقش معلم	۵	۰/۹۱
۴	فرهنگ مدرسه	۵	۰/۸۸
۵	تعامل با والدین و جامعه	۵	۰/۷۰
۶	امکانات و منابع آموزشی	۵	۰/۸۱
۷	سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی	۵	۰/۷۲
۸	تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی	۵	۰/۷۸
۹	تفاوت‌های فردی و فرهنگی	۵	۰/۸۹
۱۰	پیامدهای فردی	۳	۰/۷۶
۱۱	پیامدهای اجتماعی	۳	۰/۸۱
۱۲	پیامدهای آموزشی و تربیتی	۳	۰/۷۶
تعداد کل سوالات			۵۴
			۰/۸۴

یافته‌های کمی: نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم عوامل علی نشان از آن است که متغیرهای آشکارساز می‌توانند واریانس مقوله‌های خود را به خوبی تبیین کنند. همچنین نتایج حاکی از آن است که در تمامی رابط طبق شکل ۱ مقدار بار عاملی بزرگتر از ۰/۴ می‌باشد. از طرفی ضرایب مسیر در سه مقوله نیز بزرگتر از ۰/۶ می‌باشد که نشان از روابط قوی است. در شکل ۲ نیز مقدار معناداری (t-value) برای تمامی روابط بزرگتر از ۱/۹۶ است.

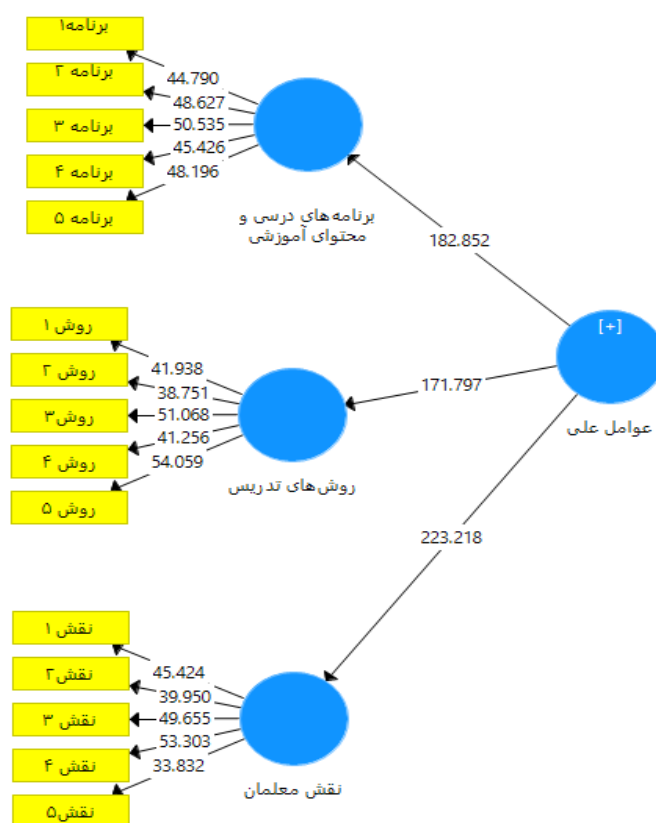


شکل ۱: ضرایب مسیر و مقادیر بار عاملی در عوامل علی

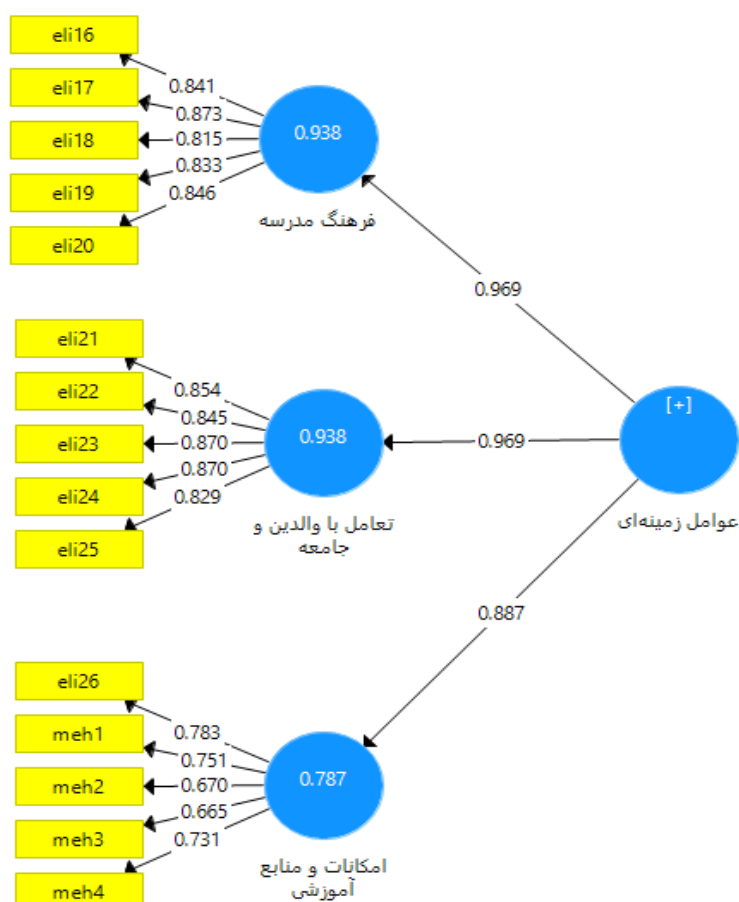
جدول ۱: مقدار روایی و پایایی عوامل علی

مقوله‌ها	آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی همگون	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده
برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی	۰/۹۱۰	۰/۹۱۰	۰/۹۳۳	۰/۷۳۶
روش‌های تدریس	۰/۹۰۶	۰/۹۰۷	۰/۹۳۰	۰/۷۲۸
نقش معلمان	۰/۸۹۵	۰/۸۹۵	۰/۹۲۳	۰/۷۰۵

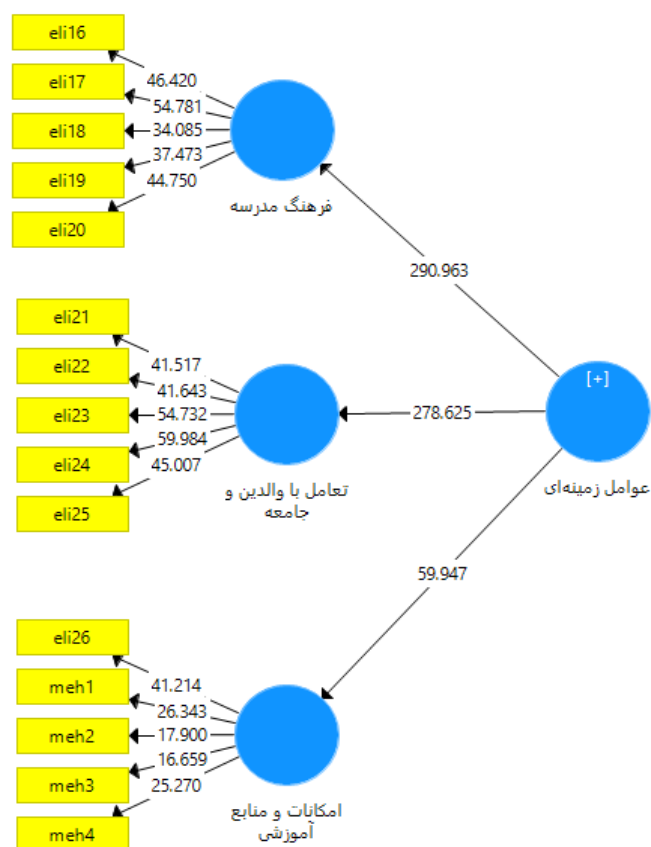
طبق نتایج جدول ۱ مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی مقوله‌ها بزرگتر از ۰/۷ می‌باشد که نشان از پایایی مطلوب است. از طرفی با توجه به اینکه مقدار پایایی ترکیبی (CR) بزرگتر از ۰/۷ بوده همچنین میانگین واریانس استخراج شده (AVE) بزرگتر از ۰/۵ می‌باشد و شرط ($CR > AVE$) برقرار است پس روایی و اگرایی و همگرایی نیز مطلوب ارزیابی می‌شود.



شکل ۲: مقادیر معناداری (t-value)



شکل ۳: ضرایب مسیر و مقادیر بار عاملی در عوامل زمینه‌ای



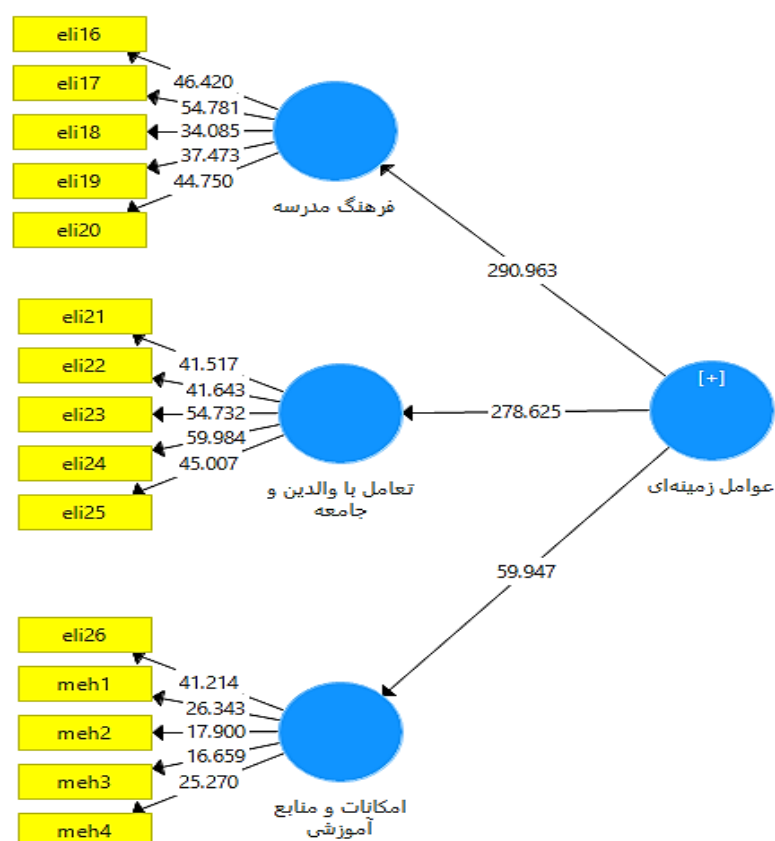
شکل ۴: مقادیر معناداری (t-value)

نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم عوامل زمینه‌ای نشان از آن است که متغیرهای آشکارساز می‌توانند واریانس مقوله‌های خود را به خوبی تبیین کنند. همچنین نتایج حاکی از آن است که در تمامی رابط طبق شکل ۳ مقدار بار عاملی بزرگتر از ۰/۴ می‌باشد. از طرفی ضرایب مسیر در سه مقوله نیز بزرگتر از ۰/۶ می‌باشد که نشان از روابط قوی است. در شکل ۴ نیز مقدار معناداری (t-value) برای تمامی روابط بزرگتر از ۱/۹۶ است.

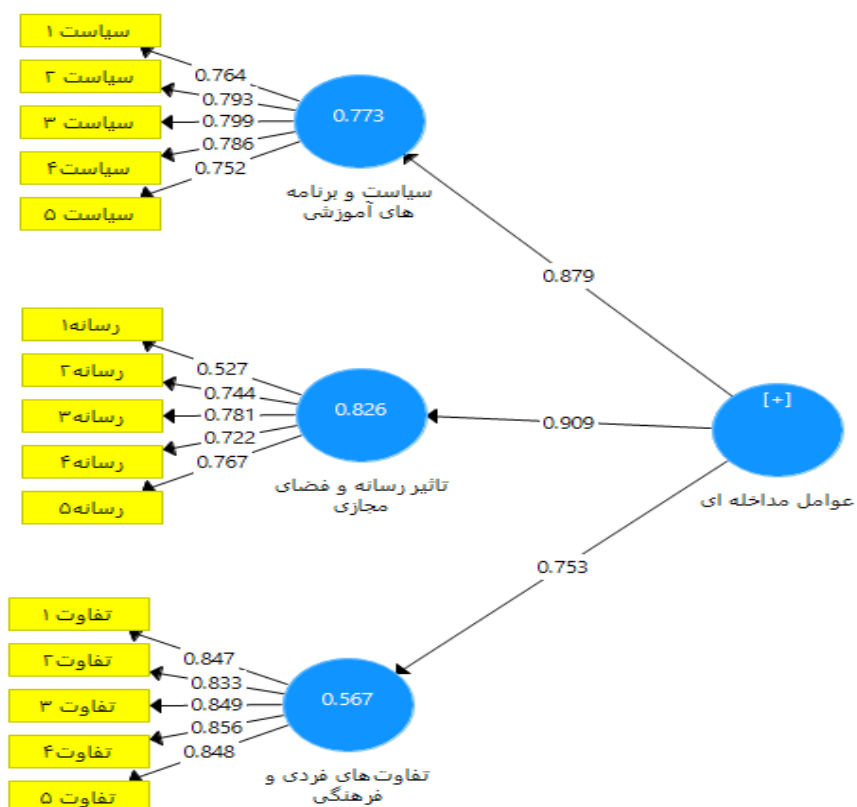
جدول ۲: مقدار روایی و پایایی عوامل زمینه‌ای

مقوله‌ها	آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی همگون	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده
امکانات و منابع آموزشی	۰/۷۷۱	۰/۷۹۲	۰/۸۴۴	۰/۵۲۰
تعامل با والدین و جامعه	۰/۹۰۷	۰/۹۰۷	۰/۹۳۱	۰/۷۲۹
فرهنگ مدرسه	۰/۸۹۷	۰/۸۹۷	۰/۹۲۴	۰/۷۰۹

طبق نتایج جدول ۲ مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی مقوله‌ها بزرگتر از ۰/۷ می‌باشد که نشان از پایایی مطلوب است. از طرفی با توجه به اینکه مقدار پایایی ترکیبی (CR) بزرگتر از ۰/۷ بوده همچنین میانگین واریانس استخراج شده (AVE) بزرگتر از ۰/۵ می‌باشد و شرط ($CR > AVE$) برقرار است پس روایی واگرایی و همگرایی نیز مطلوب ارزیابی می‌شود.



شکل ۵: ضرایب مسیر و مقادیر بار عاملی در عوامل زمینه‌ای



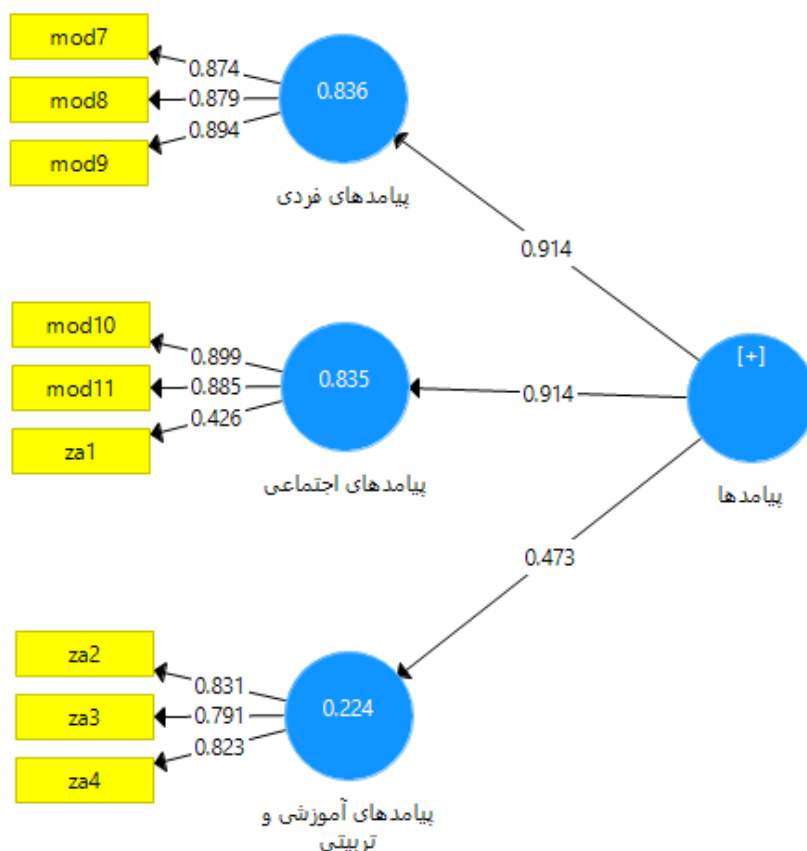
شکل ۶: مقادیر معناداری (t-value)

نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم عوامل زمینه‌ای نشان از آن است که متغیرهای آشکار ساز می‌توانند واریانس مقوله‌های خود را به خوبی تبیین کنند. همچنین نتایج حاکی از آن است که در تمامی رابط طبق شکل ۳ مقدار بار عاملی بزرگتر از ۰/۴ می‌باشد. از طرفی ضرایب مسیر در سه مقوله نیز بزرگتر از ۰/۶ می‌باشد که نشان از روابط قوی است. در شکل ۴ نیز مقدار معناداری (t-value) برای تمامی روابط بزرگتر از ۱/۹۶ است.

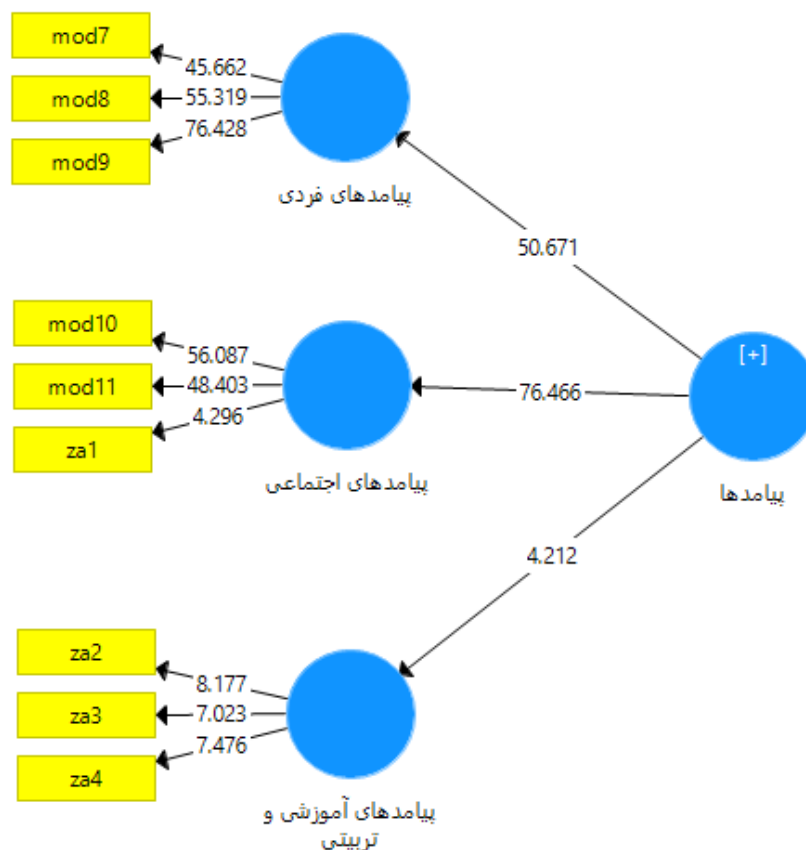
جدول ۳: مقدار روایی و پایایی عوامل مداخله‌ای

مقوله‌ها	آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی همگون	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده
تاثیر رسانه و فضای مجازی	۰/۷۵۲	۰/۷۵۲	۰/۸۳۷	۰/۵۱۰
تفاوت‌های فردی و فرهنگ	۰/۹۰۱	۰/۹۰۲	۰/۹۲۷	۰/۷۱۷
سیاست و برنامه‌های آموزشی	۰/۸۳۸	۰/۸۳۸	۰/۸۸۵	۰/۶۰۷

طبق نتایج جدول ۳ مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی مقوله‌ها بزرگتر از ۰/۷ می‌باشد که نشان از پایایی مطلوب است. از طرفی با توجه به اینکه مقدار پایایی ترکیبی (CR) بزرگتر از ۰/۷ بوده همچنین میانگین واریانس استخراج شده (AVE) بزرگتر از ۰/۵ می‌باشد و شرط ($CR > AVE$) برقرار است پس روایی واگرایی و همگرایی نیز مطلوب ارزیابی می‌شود.



شکل ۷: ضرایب مسیر و مقادیر بار عاملی در پیامدها



شکل ۸: مقادیر معناداری (t-value)

نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم عوامل زمینه‌ای نشان از آن است که متغیرهای آشکارساز می‌توانند واریانس مقوله‌های خود را به خوبی تبیین کنند. همچنین نتایج حاکی از آن است که در تمامی رابط طبق شکل ۳ مقدار بار عاملی بزرگتر از ۰/۴ می‌باشد. از طرفی ضرایب مسیر در سه مقوله نیز بزرگتر از ۰/۶ می‌باشد که نشان از روابط قوی است. در شکل ۴ نیز مقدار معناداری (t-value) برای تمامی روابط بزرگتر از ۱/۹۶ است.

جدول ۴: مقدار روایی و پایایی پیامدها

مقوله‌ها	آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی همگون	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده
پیامدهای آموزشی	۰/۷۴۷	۰/۷۴۹	۰/۸۵۶	۰/۵۱۰
پیامدهای اجتماعی	۰/۸۲۱	۰/۸۶۸	۰/۸۶۰	۰/۵۰۱
پیامدهای فردی	۰/۸۵۸	۰/۸۵۹	۰/۹۱۴	۰/۷۷۹

طبق نتایج جدول ۴ مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی مقوله‌ها بزرگتر از ۰/۷ می‌باشد که نشان از پایایی مطلوب است. از طرفی با توجه به اینکه مقدار پایایی ترکیبی (CR) بزرگتر از ۰/۷ بوده همچنین میانگین واریانس استخراج شده (AVE) بزرگتر از ۰/۵ می‌باشد و شرط (CR > AVE) برقرار است پس روایی واگرایی و همگرایی نیز مطلوب ارزیابی می‌شود.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رشد و توسعه وفاق ملی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر قرار دارد. از میان عوامل علی، برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که نقش کلیدی در تقویت وفاق ملی ایفا می‌کند. محتوای آموزشی که بر تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های ملی تأکید دارد، می‌تواند حس تعلق و هویت ملی را در دانش‌آموزان تقویت کند. پژوهش‌های داخلی، مانند مطالعه‌ای که در زمینه برنامه‌های درسی پنهان انجام شده، نشان داده‌اند که این برنامه‌ها تأثیر قابل توجهی بر تقویت هویت ملی و دینی دانش‌آموزان دارند (مثلاً پژوهش احمدی، ۱۳۹۹). همچنین، روش‌های تدریس مشارکتی و تعاملی که تعامل و مشارکت دانش‌آموزان را تشویق می‌کنند، می‌توانند نقش مهمی در شکل‌دهی وفاق ملی داشته باشند. به عنوان مثال، نتایج پژوهش رضایی (۱۴۰۰) نشان داده است که استفاده از روش‌های نوین تدریس، همچون یادگیری مبتنی بر پروژه و روش‌های مسئله محور، به افزایش تعاملات مثبت بین دانش‌آموزان و ایجاد روحیه همکاری کمک می‌کند. علاوه بر این، نقش الگوهای رفتاری معلمان نیز در این زمینه قابل توجه است، چرا که معلمان به عنوان الگوهای رفتاری نقش مهمی در تقویت هویت ملی دانش‌آموزان دارند. یافته‌های پژوهش کریمی (۱۳۹۸) حاکی از آن است که معلمانی که نگرش مثبت به ارزش‌های ملی دارند و از روش‌های تعاملی در تدریس استفاده می‌کنند، تأثیر بیشتری بر شکل‌گیری هویت ملی دانش‌آموزان دارند. در کنار عوامل علی، عوامل زمینه‌ای نیز بر رشد و توسعه وفاق ملی تأثیرگذار هستند. فرهنگ مدرسه، به عنوان محیط اجتماعی اولیه دانش‌آموزان، می‌تواند در شکل‌گیری و تقویت وفاق ملی نقش داشته باشد. ایجاد محیطی که در آن احترام متقابل، همکاری و مشارکت تشویق می‌شود، به ایجاد حس تعلق اجتماعی و ملی در دانش‌آموزان کمک می‌کند. مطالعه‌ای که توسط مرادی (۱۴۰۱) انجام شد، نشان داد که وفاق در مدارس نتیجه تعاملات مثبت بین اعضای جامعه آموزشی است که از طریق ایجاد محیط‌های حمایتی و استفاده از روش‌های نوین تدریس شکل می‌گیرد. تعامل مدرسه با خانواده و جامعه نیز از دیگر عوامل زمینه‌ای مهم است. همکاری بین مدرسه، خانواده و جامعه می‌تواند موجب تقویت هویت ملی در دانش‌آموزان شود. پژوهش نوروزی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داده است که پرورش هویت ملی و بومی در کودکان نیازمند توجه به نقش خانواده، رسانه‌ها و نهادهای اجتماعی است. علاوه بر این، برگزاری مراسم و مناسبت‌های ملی در مدارس می‌تواند فرصتی برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با هویت فرهنگی و ملی باشد. مطالعه‌ای که در این زمینه توسط جمشیدی (۱۳۹۹) انجام شد، نشان داد که برگزاری مراسم ملی و فعالیت‌های فرهنگی در مدارس باعث افزایش آگاهی تاریخی و احساس تعلق ملی در دانش‌آموزان می‌شود. علاوه بر عوامل علی و زمینه‌ای، عوامل مداخله‌ای نیز بر روند رشد و توسعه وفاق ملی تأثیرگذارند. یکی از مهم‌ترین این عوامل، تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی است. با توجه به گسترش رسانه‌های دیجیتال، کودکان و نوجوانان بیش از هر زمان دیگری در معرض دیدگاه‌ها و ارزش‌های متنوع و گاه متناقض قرار دارند. این مسئله می‌تواند موجب تضعیف وفاق ملی شود، به‌ویژه اگر محتوای رسانه‌ای ارائه‌شده به کودکان از ارزش‌های ملی و فرهنگی فاصله داشته باشد. پژوهش حیدری (۱۴۰۱) نشان داده است که مصرف بیش از حد محتوای رسانه‌ای غربی می‌تواند موجب کاهش تعلق ملی در کودکان شود. از سوی دیگر، سیاست‌های آموزشی و محتوای کتاب‌های درسی نیز می‌توانند عاملی مداخله‌گر در رشد وفاق ملی باشند. نتایج پژوهش یوسفی (۱۳۹۸) نشان داد که در برخی موارد، عدم همخوانی محتوای آموزشی با نیازهای واقعی دانش‌آموزان برای درک وفاق ملی باعث کاهش تأثیرگذاری برنامه‌های درسی در این زمینه شده است. همچنین،

تفاوت‌های فرهنگی و قومی در کشورهایی که دارای تنوع زبانی و فرهنگی هستند، می‌تواند چالشی در مسیر تقویت وفاق ملی باشد. مطالعه‌ای که توسط محققان بین‌المللی انجام شده است (اسمیت و همکاران، ۲۰۲۲) نشان داد که کشورهای چندفرهنگی نیازمند سیاست‌های آموزشی منسجم و برنامه‌های درسی متناسب با تنوع فرهنگی برای تقویت انسجام ملی هستند. علاوه بر این نتایج این پژوهش که به شناسایی و اعتباریابی عوامل موثر در رشد و توسعه وفاق ملی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی پرداخته است را می‌توان به شش ساحت تعلیم و تربیت ایران (بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) مرتبط کرد. این ساحت‌ها عبارتند از: ساحت تربیت دینی و اخلاقی، ساحت تربیت اجتماعی، ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، ساحت تربیت بدنی، ساحت تربیت هنری و ساحت تربیت علمی و فناوری.

ساحت تربیت دینی و اخلاقی: در این پژوهش، یکی از عوامل اصلی در توسعه وفاق ملی در دانش‌آموزان، "توسعه ارزش‌های انسانی و دینی" است. طبق یافته‌های پژوهش، تقویت هویت ملی و انسجام اجتماعی می‌تواند از طریق برنامه‌های آموزشی که شامل ارزش‌های دینی، احترام به تنوع فرهنگی و توجه به اصول اخلاقی باشد، تحقق یابد. در این راستا، ساحت تربیت دینی و اخلاقی به عنوان بستری برای تقویت روابط انسانی و ایجاد همبستگی اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. طبق نتایج پژوهش‌های مشابه (باقری، ۱۳۹۹؛ حسن‌زاده، ۱۳۹۶)، تأکید بر آموزه‌های دینی و اخلاقی نه تنها موجب رشد فردی دانش‌آموزان می‌شود، بلکه همبستگی و وفاق ملی را نیز در میان آنها تقویت می‌کند.

ساحت تربیت اجتماعی: ساحت تربیت اجتماعی به طور مستقیم با یکی از مقوله‌های اصلی پژوهش، یعنی "تقویت روحیه همکاری و تعامل اجتماعی" مرتبط است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که برنامه‌های گروهی، فعالیت‌های مشارکتی و آموزش‌های اجتماعی موجب تقویت تعاملات اجتماعی و وفاق ملی میان دانش‌آموزان می‌شود. به‌ویژه در دوره ابتدایی، دانش‌آموزان نیاز به تجارب اجتماعی دارند که می‌تواند از طریق فعالیت‌های گروهی و جمعی فراهم شود. پژوهش‌های مشابه (حسینی، ۱۳۹۷) نیز نشان داده‌اند که استفاده از روش‌های تدریس مشارکتی و فعالیت‌های جمعی به ارتقای وفاق اجتماعی و تقویت هویت ملی کمک می‌کند.

ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای: اگرچه ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای به طور مستقیم در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته است، اما مقوله‌هایی مانند "تقویت احساس مسئولیت اجتماعی" و "آموزش مهارت‌های اجتماعی" می‌توانند به نوعی با این ساحت مرتبط باشند. تقویت مهارت‌های اجتماعی و کار گروهی می‌تواند به رشد توانمندی‌های اقتصادی و حرفه‌ای دانش‌آموزان در آینده کمک کند. این ساحت با آموزش‌هایی که بر تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی تأکید دارد، همخوانی دارد.

ساحت تربیت بدنی: ساحت تربیت بدنی در این پژوهش به طور مستقیم به عنوان عامل تأثیرگذار در توسعه وفاق ملی مورد توجه قرار نگرفته است، اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فعالیت‌های گروهی، مانند بازی‌های جمعی و ورزش‌های گروهی، می‌توانند نقش مهمی در تقویت روحیه همبستگی و تعامل اجتماعی میان دانش‌آموزان ایفا کنند. پژوهش‌های قبلی نیز به اهمیت ورزش‌های گروهی در توسعه ارتباطات اجتماعی و تقویت هویت ملی اشاره کرده‌اند (رحیمی، ۱۳۹۸).

ساحت تربیت هنری: ساحت تربیت هنری به عنوان یکی از عوامل مهم در این پژوهش به‌ویژه در مقوله‌های "تقویت هویت ملی از طریق فعالیت‌های فرهنگی و هنری" به چشم می‌آید. بر اساس یافته‌های این پژوهش، فعالیت‌های هنری، مانند برگزاری جشن‌های ملی، بازدید از اماکن تاریخی و فعالیت‌های هنری گروهی می‌تواند به ایجاد حس همبستگی و

افزایش شناخت دانش‌آموزان از هویت ملی کمک کنند. این نتایج با پژوهش‌های مشابه در این حوزه (طاهری، ۱۴۰۰) نیز همسو است.

ساحت تربیت علمی و فناوری: در ساحت تربیت علمی و فناوری، یافته‌های این پژوهش به‌ویژه در مقوله‌هایی مانند "تقویت روحیه همکاری و تعامل گروهی از طریق آموزش‌های نوین" مرتبط است. پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی و روش‌های تدریس مبتنی بر تعامل می‌تواند به رشد وفاق ملی کمک کند. از طرفی، آموزش‌های علمی که به تقویت هویت ملی و شناخت از تاریخ و فرهنگ کشور پرداخته‌اند، نیز تأثیرگذار بوده‌اند. این یافته‌ها با پژوهش‌های مشابه در زمینه ارتباط علم و فناوری با تربیت ملی همسو است. نتایج این پژوهش، نشان‌دهنده این است که عوامل مختلفی در رشد و توسعه وفاق ملی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی تأثیر دارند که می‌توان آن‌ها را در شش ساحت تعلیم و تربیت ایران گنجانده. این مقوله‌ها شامل تقویت روحیه همکاری، تعامل اجتماعی، آموزش‌های دینی و اخلاقی، مهارت‌های اجتماعی، فعالیت‌های هنری و فرهنگی و استفاده از روش‌های نوین آموزشی هستند. ارتباط این مقوله‌ها با ساحت‌های تعلیم و تربیت، به‌ویژه در دوره ابتدایی که پایه‌گذار هویت و تربیت اجتماعی و ملی کودکان است، بسیار حائز اهمیت است؛ بنابراین، طراحی برنامه‌های آموزشی که به این مقوله‌ها توجه ویژه داشته باشند، می‌تواند در تقویت وفاق ملی و انسجام اجتماعی در میان دانش‌آموزان مؤثر باشد. پیشنهاد پژوهشی و کاربردی می‌تواند به پژوهشگران و سیاست‌گذاران آموزشی کمک کند تا به بهبود شرایط موجود و تقویت وفاق ملی در مدارس ابتدایی بپردازند. در ادامه به برخی از این پیشنهادات پرداخته می‌شود:

پیشنهادهای پژوهشی

۱. مطالعه تطبیقی بین کشورها: پژوهشگران می‌توانند به مطالعه تطبیقی میان کشورهای مختلف پرداخته و بررسی کنند که چگونه برنامه‌های آموزشی و محتوای درسی در کشورهای مختلف بر وفاق ملی تأثیر گذاشته است. این مطالعات می‌تواند به کشف الگوها و روش‌هایی کمک کند که در زمینه تقویت هویت ملی و اجتماعی مؤثر واقع شده‌اند. مطالعات مشابه در کشورهایی نظیر ژاپن، سنگاپور یا کانادا می‌تواند درک بهتری از رویکردهای موفق در این حوزه ارائه دهد.

۲. تحقیق در خصوص تأثیر معلمان بر توسعه وفاق ملی: یکی از بخش‌های مهم در پژوهش‌های آینده می‌تواند بررسی دقیق تر نقش معلمان در توسعه وفاق ملی باشد. تحقیقات بیشتری می‌تواند این موضوع را مورد بررسی قرار دهد که چگونه معلمان با استفاده از روش‌های خاص تدریس، نظیر یادگیری مشارکتی و فعال، می‌توانند در شکل‌دهی به وفاق ملی در دانش‌آموزان مؤثر باشند. همچنین، بررسی تأثیر برنامه‌های آموزشی معلمان بر تحکیم روابط اجتماعی و تقویت همبستگی ملی می‌تواند به درک بهتری از فرآیندهای آموزشی در این زمینه کمک کند.

پژوهش‌های طولی بر روی تأثیر فعالیت‌های فوق برنامه: تحقیقات آینده می‌توانند به‌صورت طولی و در مقاطع زمانی مختلف، تأثیر فعالیت‌های فوق برنامه و فرهنگی بر وفاق ملی در دانش‌آموزان ابتدایی را ارزیابی کنند. بررسی این تأثیرات در طولانی مدت و در سنین مختلف می‌تواند نتایج مفیدی در جهت طراحی برنامه‌های فرهنگی و آموزشی مؤثر ارائه دهد.

۴. تحلیل تأثیر استفاده از فناوری در تقویت وفاق ملی: با توجه به پیشرفت‌های اخیر در زمینه فناوری و رسانه‌های دیجیتال، یک پژوهش مهم می‌تواند تحلیل تأثیر استفاده از فناوری‌های نوین در آموزش بر وفاق ملی باشد. این پژوهش

می‌تواند بررسی کند که چگونه رسانه‌ها و پلتفرم‌های دیجیتال می‌توانند نقش مثبتی در نهاده‌سازی ارزش‌های ملی و اجتماعی ایفا کنند.

پیشنهادهای کاربردی

۱. طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر وفاق ملی: بر اساس یافته‌های این پژوهش، توصیه می‌شود که برنامه‌های آموزشی مدارس ابتدایی به‌طور خاص بر تقویت وفاق ملی و هویت اجتماعی تأکید داشته باشند. در این راستا، طراحی دروس و فعالیت‌های آموزشی باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان با تاریخ، فرهنگ و هویت ملی خود بیشتر آشنا شوند. این برنامه‌ها باید به شکلی منسجم و بر اساس نیازهای اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان تنظیم شوند تا اثرگذاری بیشتری داشته باشند.

۲. توسعه آموزش معلمان در زمینه وفاق ملی: معلمان به عنوان عوامل کلیدی در تقویت وفاق ملی، باید از آموزش‌های ویژه در این زمینه برخوردار شوند. برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای معلمان در خصوص استفاده از روش‌های تدریس نوین و تکنیک‌های مشارکتی می‌تواند به بهبود این فرآیند کمک کند. این آموزش‌ها باید معلمان را توانمند سازند تا با ایجاد فضایی تعاملی و همدلانه، روحیه همکاری و همبستگی را در دانش‌آموزان تقویت کنند.

۳. گنجاندن فعالیت‌های فوق برنامه برای تقویت وفاق ملی: پیشنهاد می‌شود که مدارس فعالیت‌های فوق برنامه مانند مسابقات گروهی، پروژه‌های مشترک، جشن‌های ملی و بازدیدهای فرهنگی را بیشتر در برنامه‌های آموزشی خود بگنجانند. این فعالیت‌ها می‌توانند فرصتی برای دانش‌آموزان ایجاد کنند تا در کنار یکدیگر کار کنند و به توسعه مهارت‌های اجتماعی و هویتی خود بپردازند.

۴. ارزیابی مستمر و بهبود برنامه‌های درسی: برای اطمینان از موفقیت برنامه‌های آموزشی در تقویت وفاق ملی، لازم است که ارزیابی مستمر این برنامه‌ها انجام شود. معلمان و مدیران مدارس باید به‌طور مداوم نتایج این برنامه‌ها را ارزیابی کرده و در صورت نیاز، تغییرات و بهبودهای لازم را اعمال کنند. استفاده از ارزیابی‌های کیفی و کمی می‌تواند به شناسایی نقاط ضعف و قوت برنامه‌های آموزشی کمک کند.

۵. توجه به تنوع فرهنگی در طراحی برنامه‌ها: با توجه به تنوع فرهنگی و قومی در بسیاری از جوامع، ضروری است که برنامه‌های آموزشی وفاق ملی به گونه‌ای طراحی شوند که به تفاوت‌های فرهنگی توجه داشته باشند. این برنامه‌ها باید به نحوی باشد که همه دانش‌آموزان با پیشینه‌های مختلف فرهنگی، احساس هویت و تعلق ملی پیدا کنند و در عین حال احترام به تنوع فرهنگی را نیز آموزش ببینند.

۶. ارتقاء نقش خانواده‌ها در تقویت وفاق ملی: در کنار برنامه‌های آموزشی مدرسه، توجه به نقش خانواده‌ها در تقویت وفاق ملی امری ضروری است. همکاری میان مدارس و خانواده‌ها در ایجاد فضایی حمایتی برای تقویت هویت ملی و اجتماعی دانش‌آموزان می‌تواند نتایج مثبتی به همراه داشته باشد. والدین می‌توانند به عنوان حامیان اصلی، در فرآیند نهاده‌سازی این ارزش‌ها در زندگی روزمره دانش‌آموزان نقش موثری ایفا کنند.

منابع و مأخذ

احمدی، زهرا؛ و محمدی، علی. (۱۴۰۲). تعمیق هویت فرهنگی و ملی در دانش‌آموزان. مجله علمی-پژوهشی فرهنگ و هویت.

- احمدی، غلامعلی؛ صابری، منیژه؛ احمدی، فاطمه. (۱۳۹۹). طراحی الگوی آموزش و پرورش ارزش‌ها در دوره دبستان و پیش دبستان (رویکرد ایرانی-اسلامی). اولین همایش ملی آموزش و پرورش ارزش‌ها در دوره دبستان و پیش دبستان. احمدی، محمد. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر برنامه‌های درسی پنهان بر تقویت هویت ملی و دینی دانش‌آموزان. فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی درسی، ۲۵(۳)، ۷۵-۹۲.
- باقری، علی‌رضا. (۱۴۰۰). نقش معلمان در تقویت وفاق ملی در مدارس ابتدایی. پژوهش‌های آموزش و پرورش، ۳۲(۲)، ۵۵-۷۰.
- باقری، محسن. (۱۳۹۹). نقش معلمان در توسعه وفاق ملی در مدارس ابتدایی. مجله مطالعات آموزشی، ۱۲(۲)، ۱۵-۲۵. حسینی، محمد. (۱۳۹۷). آموزش مشارکتی و تأثیر آن بر وفاق ملی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی. فصلنامه پژوهش‌های تربیتی، ۲۳(۴)، ۳۲-۳۲.
- حسن‌زاده، ناصر. (۱۳۹۶). برنامه‌های فرهنگی و آموزشی در مدارس ابتدایی و تأثیر آن‌ها بر هویت ملی دانش‌آموزان. مجله علوم تربیتی ایران، ۳۵(۱)، ۵۴-۶۵.
- ترکمان، محمدرضا. (۱۴۰۳). «پرسش مهر» بستری برای یکدلی و «وفاق ملی». وبسایت تیزلند.
- حسینی، علی؛ و احمدی، زهرا. (۱۴۰۲). آموزش همدلی و احترام به همگان در مدارس ابتدایی. اولین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی.
- حسینی، فاطمه. (۱۳۹۸). ارزیابی تأثیر فعالیت‌های فرهنگی و فوق‌برنامه بر انسجام اجتماعی دانش‌آموزان. مطالعات جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۲۹(۱)، ۴۵-۶۳.
- حسینی، مریم؛ و رضایی، نرگس. (۱۴۰۲). نقش آموزش و پرورش در باز تولید هویت ملی دانش‌آموزان جمهوری اسلامی ایران. دومین کنفرانس ملی مطالعات نوین در علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- حکیم‌زاده، رضوان. (۱۴۰۳). وفاق ملی از مدرسه آغاز می‌شود: لزوم از بین بردن ذهنیت رقابتی و ایجاد فضایی برای همدلی. خبرگزاری ایسنا.
- دهقان، سعید. (۱۳۹۷). تحلیل نقش محتوای کتب درسی در شکل‌گیری وفاق ملی در دانش‌آموزان ابتدایی. فصلنامه مطالعات علوم تربیتی، ۲۶(۴)، ۸۱-۱۰۲.
- رحمانی، سعید؛ حسینی، مریم؛ کریمی، علی. (۱۴۰۰). تأثیر برنامه‌های فوق‌برنامه و آموزش‌های تلفیقی بر نهادینه‌سازی ارزش‌های ملی در دانش‌آموزان. فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۴(۲)، ۶۷-۸۹.
- رحیمی، یوسف. (۱۳۹۸). تأثیر فعالیت‌های فوق‌برنامه در تقویت همبستگی ملی در مدارس ابتدایی. فصلنامه مطالعات اجتماعی، ۲۷(۳)، ۷۰-۸۲.
- طاهری، مینا. (۱۴۰۰). نقش خانواده‌ها در تقویت وفاق ملی در مدارس ابتدایی: چالش‌ها و راهکارها. مجله پژوهش‌های اجتماعی، ۴۰(۲)، ۹۵-۱۰۵.
- رضایی، مهدی. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر روش‌های تدریس مشارکتی بر تقویت هویت ملی دانش‌آموزان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۹(۲)، ۶۷-۸۵.

رضائی امین، سمیه و رضائی امین، فیروزه و نورعلی، زینب و قاضی، سنور، ۱۴۰۳، بررسی تاثیر یادگیری مشارکتی بر رشد و پیشرفت شخصیت دانش آموزان دوره ابتدایی، اولین همایش ملی نگرش های نوین در مسائل آموزش و پرورش، رامشیر،

عنایتی، فهیمه؛ نجف زاده، مریم؛ زندی لک، سمیه و سرابندی، ساجده، ۱۴۰۲، عوامل موثر در رشد و تکامل اجتماعی دانش آموزان (با تکیه بر نقش مدرسه و عوامل آموزشی)، اولین همایش بین المللی جامعه شناسی، علوم اجتماعی و آموزش و پرورش با رویکرد نگاهی به آینده، بوشهر،

کریمی، سعید؛ و مرادی، فاطمه. (۱۴۰۲). راه وفاق در مدرسه و تأثیر آن در فردای کشور عزیزمان ایران چیست؟ دومین کنفرانس ملی پژوهش های نوین در علوم تربیتی و روان شناسی.

محمدخانلو، مریم و رحمنی، پگاه و بیگدلی، منصوره و باقری دودانگه، سیده نجیبه، ۱۴۰۲، تاثیر عوامل مدیریتی کلاس بر رشد و توسعه مهارت های اجتماعی در دوره ابتدایی، اولین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، علوم اجتماعی و حقوق، مرتضی عزیزی و شهره پیرانی. ۱۴۰۱. «شهید سلیمانی؛ اسطوره ی ملی مؤثر بر وفاق ملی».

موسوی، حسن؛ و رضایی، فاطمه. (۱۴۰۲). طراحی و ارائه الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت اجتماعی فطری در دوره ابتدایی. فصلنامه پژوهش های تربیتی.

Anderson, R., & Miller, T. (۲۰۱۹). The impact of participatory learning on national identity formation in primary school students. *Educational Research Review*, ۲۷(۲), ۷۹-۵۶

Anderson, R., & Miller, T. (۲۰۱۹). The impact of participatory learning on national identity formation in primary school students. *Educational Research Review*, ۲۷(۲), ۷۹-۵۶

Harrison, P., & Clarke, L. (۲۰۱۸). Cultural diversity and national integration in elementary education: A global perspective. *Journal of Multicultural Education*, ۱۴(۴), ۱۱۰-۸۹

Harrison, P., & Clarke, L. (۲۰۱۸). Cultural diversity and national integration in elementary education: A global perspective. *Journal of Multicultural Education*, ۱۴(۴), ۱۱۰-۸۹

Smith, J. (۲۰۲۰). The Role of Education in Promoting National Cohesion: A Comparative Study. *Journal of Educational Research*, ۴۵(۳), ۲۳۲-۲۱۵.

Smith, J., & Johnson, M. (۲۰۲۱). Integrating civic education into school curricula: A strategy for enhancing social cohesion. *Journal of Education and Development*, ۴۵(۳), ۱۴۵-۱۲۳

Smith, J., & Johnson, M. (۲۰۲۱). Integrating civic education into school curricula: A strategy for enhancing social cohesion. *Journal of Education and Development*, ۴۵(۳), ۱۴۵-۱۲۳

Taylor, K., & Martinez, J. (۲۰۱۷). School programs and their role in strengthening national values among young students. *Journal of Educational Policy and Practice*, ۱۹(۲), ۵۷-۳۳

Taylor, K., & Martinez, J. (۲۰۱۷). School programs and their role in strengthening national values among young students. *Journal of Educational Policy and Practice*, ۱۹(۲), ۵۷-۳۳

Thompson, L. (۲۰۱۹). Civic Education and National Unity: Insights from Elementary Schools. *International Review of Education*, ۶۵(۴), ۳۰۵-۲۸۹.

Williams, R. (۲۰۲۱). Cultural Identity and Social Cohesion: The Impact of School Curriculum. *Educational Policy Studies*, ۳۸(۲), ۱۶۲-۱۴۵.

Wilson, E., Brown, D., & Taylor, S. (۲۰۲۰). The role of educational systems in fostering national unity: A comparative study. *International Journal of Education and Society*, ۳۲(۱), ۱۰۲-۷۸

Wilson, E., Brown, D., & Taylor, S. (۲۰۲۰). The role of educational systems in fostering national unity: A comparative study. *International Journal of Education and Society*, ۳۲(۱), ۱۰۲-۷۸

Zhang, H. (۲۰۱۸). The Effect of Cooperative Learning on National Identity Development in Primary Schools. *Asian Journal of Educational Development*, ۱۲(۱), ۱۱۷-۹۸.

Analysis and Measurement of Factors Strengthening National Consensus in Elementary School Students

Abstract

National consensus is one of the basic concepts in social cohesion that is formed in educational institutions from childhood. Also, elementary schools, as the first social institutions, are an important platform for teaching national values and strengthening social cohesion. This study, with a qualitative-quantitative approach, analyzed and measured the factors strengthening national consensus in elementary school students. The statistical population of the qualitative section was outstanding teachers, subject group leaders, and in the quantitative section, all colleagues working in elementary school in District ۱ of Ardabil, totaling ۱۰۷۰ people. In the qualitative section, the purposive sampling method was used and the sampling process continued until theoretical saturation was achieved; which in the present study was achieved after conducting ۱۲ interviews. Also, in the quantitative section, due to the large statistical population, the multi-stage cluster sampling method was used. Thus, first from the areas of Region ۱, then the schools and finally the colleagues working in those selected schools were selected as our statistical sample. Thematic analysis method was used to analyze the qualitative data and confirmatory factor analysis method (second order) was used in the quantitative part. The findings show that several factors, including educational content, teachers' teaching methods, interactions between students and cultural programs of schools, play a role in strengthening the sense of national solidarity. And the results obtained indicate that the values of the path coefficients are greater than ۰.۴ and the factor loadings for all relationships are greater than ۰.۴. Also, the significance value for all relationships is greater than ۰.۰۵; which indicates the confirmation of the relationships. On the other hand, the values obtained indicate the convergent validity and appropriate reliability. Based on these results, it is suggested that educational policymakers prepare the ground for cultivating students with a stronger national identity by reforming curricula, strengthening teachers' interpersonal skills, and designing interactive educational activities.

Keywords

National consensus, school, elementary students, social cohesion, citizenship education
